



The Ethical Implications of "Mithaq Ghaliz" in Family Relationships: An Analysis of Surah An-Nisa, Verse 21 *

Reza Mahdianfar¹



Abstract

The family is the most fundamental social institution, and its dynamism and stability depend on the presence of healthy and enduring relationships between spouses. The Quran, using the expression *mithāq ghalīz* (a solemn and firm covenant), not only highlights the significance and elevated status of the marital bond but also underscores the obligations associated with such a sacred commitment. In Surah An-Nisa (4:21), while recalling the cherished memories of marital life, the Quran warns spouses to remain committed to this covenant. This study aims to emphasize the esteemed position of the marital bond, referred to as *mithāq ghalīz*, a sacred and elevated expression, in order to prevent the disintegration of the family unit. Using content analysis and a library-based research method, the study identifies fundamental principles such as spousal loyalty, respect for one's partner, and righteous companionship (*ma'rūf*), as essential ethical components of the *mithāq ghalīz* in marriage. Additionally, the study highlights moral obligations in divorce, including dignified separation, benevolence, and mutual consultation between spouses.

Keywords: Mithāq Ghalīz, Ethical Obligations, Family Relationships, Surah An-Nisa 4:21.

*. **Date of Receiving:** 11/12/2024, **Date of Revised:** 01/01/2025, **Date of Approving:** 01/01/2025.

1. Associate Professor, Department of Interpretation, University of Quranic Sciences and Education. rezamahtab52@yahoo.com.



لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در روابط خانوادگی (تحلیلی از آیه ۲۱ سوره نساء)*

رضا مهدیان فر^۱



چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران است. قرآن با تعبیر «میثاق غلیظ» افزون بر اشاره به اهمیت و جایگاه بلند پیمان همسری، به لوازم چنین تعبیری نیز اشاره می‌کند. در آیه ۲۱ نساء ضمن یادآوری خاطرات شیرین دوران همسری، با یادکرد چنین پیمانی به پای‌بندی به لوازم آن هشدار می‌دهد. این تحقیق با هدف توجه دادن زوجین به جایگاه بلند پیمان همسری که با عبارت «میثاق غلیظ» که ترکیبی مقدس و متعالی است، به دنبال پیشگیری از فروپاشی کانون خانواده است. در این تحقیق با روش تحلیل محتوا و با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، اصولی چون وفاداری همسران، تکریم همسر، معاشرت به معروف به‌عنوان لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در ازدواج و نگهداری به شایستگی، رها کردن به معروف، و احسان و مشورت همسران با یکدیگر به‌عنوان لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در طلاق شناخته شدند.

کلیدواژگان: میثاق غلیظ، لوازم اخلاقی، روابط خانوادگی، آیه ۲۱ نساء.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹.
۱. دانشیار گروه تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: (rezamahtab52@yahoo.com).



مقدمه

پرداختن به لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در روابط خانوادگی ریشه در اهمیت نهاد خانواده و روابط سالم در محیط آن دارد. از نگاه آیات و روایات، سازمان خانواده مهم‌ترین نهاد بنیادین جامعه بشری است که می‌تواند کارکردهای مثبت، سازنده و بی‌بدیل در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان داشته باشد و زمینه کسب موفقیت‌ها، رشد و شکوفایی استعدادها و سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه را فراهم آورد. ولی این نهاد ارزشمند با تأثیرپذیری از تحولات عصر جدید با چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوع روبرو شده و سبب تزلزل کانون خانواده و ناپایداری و آشفتگی روابط و تعاملات اعضای خانواده، به ویژه همسران، شده و موجب بروز پیامدهای اسفباری چون افزایش آمار طلاق، شکل‌گیری روابط نابسامان مانند ازدواج سفید و هم‌باشی، زندگی مجردی و پدیده فرزندان نامشروع گردیده است.

چاره‌جویی این آسیب مهم اجتماعی را باید در بازگشت به معارف اصیل قرآن و عترت و بازتعریف نظام خانواده در اسلام با تدبیر و تعمق در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام یافت. جهل به جایگاه و اهمیت ازدواج و نهاد خانواده و تعهدی که همسران در انشای عقد نکاح به همسر خویش سپرده‌اند، یکی از عوامل بی‌توجهی به کانون خانواده و فروپاشی آن می‌باشد. در حالی که خدای سبحان در آیه ۲۱ نساء با تعبیر «میثاق غلیظ» و یادآوری آن به همسران، پرده از حقیقت نهاد خانواده برداشته و همسران را به لوازم چنین تعبیری هشدار می‌دهد.

این تعبیر بلند نشان می‌دهد که همسران با گرفتن پیمانی محکم و شدید، بنا بر تداوم زندگی مشترک داشته و گسستن آن مورد انتظارشان نیست. دوام زندگی مشترک در پرتو آرامشی است که در آیه ۲۱ سوره روم به آن اشاره شده است. از این رو، رعایت اصول اخلاقی از جمله لوازم میثاق غلیظ است که آرامش زوجین را به ارمغان آورده و دوام زندگی مشترک را تضمین می‌کند.

در این پژوهش، با روش تحلیل محتوا در پی پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که تعبیر «میثاق غلیظ» از ازدواج در آیه ۲۱ نساء، دارای چه لوازم اخلاقی در روابط خانوادگی (ازدواج و طلاق) است. افزون بر گفته‌های مفسران در تفسیر آیه ۲۱ نساء، مقالاتی نیز از سوی پژوهشگران حوزه تفسیر و خانواده به رشته تحریر درآمده است که تا حدودی با موضوع تحقیق حاضر ارتباط دارند. خوش‌منش در «ازدواج به مثابه پیمان بزرگ» (میثاق غلیظ) در قرآن» (کتاب قیم، تابستان ۱۳۹۱) به بررسی مفهوم «میثاق» و واژگان مرتبط، به ویژه در سیاق آیات و روایات و با نگاهی بین‌ادیانی و بین‌فرهنگی پرداخته است تا از این رهگذر به اهمیت پیمان زناشویی از نگاه ادیان اشاره کند.

ملکوتی خواه در «معناشناسی «ميثاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن» (مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۹۰) مفهوم «ميثاق غلیظ» را بررسی کرده و از دو عنصر ایمان و باورهای مذهبی و معاشرت به معروف به عنوان مؤلفه‌های بنیادین و مؤثر در فرآیند وفاداری همسران به ميثاق استوار ازدواج نام برده است.

در این پژوهش‌ها بیشتر به معناشناسی «ميثاق غلیظ» و در نهایت به دو مؤلفه مؤثر در وفاداری همسران به ميثاق ازدواج پرداخته شده است. اما در تحقیق حاضر به لوازم اخلاقی «ميثاق غلیظ» پرداخته شده که چنین تعبیر بلندی لوازم فقهی (گنابادی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۸) و اخلاقی به دنبال دارد. در این نوشتار، لوازم اخلاقی آن در روابط خانوادگی (ازدواج و طلاق) بررسی شده است. هر چند این مقاله ادعا ندارد تمام لوازم اخلاقی ميثاق غلیظ را بی‌کم‌وکاست احصا کرده است، ولی تا حد امکان این لوازم را برشمرده است که تاکنون مورد مطالعه تحقیقات پیشین قرار نگرفته‌اند. همچنین، با عنایت به اینکه جامعه هدف در این گونه تحقیقات، عموم مخاطبان اعم از فرهیختگان و سایر مخاطبان می‌باشند، انتخاب عنوان مناسب که توجه خواننده را به خود معطوف داشته و انس وی را - به دلیل نیاز به مسائل خانواده - سبب شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است که دومین وجه تمایز این مقاله با تحقیقات پیشین است.

الف. مفهوم‌شناسی ميثاق غلیظ

ميثاق غلیظ از دو واژه «ميثاق» و «غلیظ» ترکیب شده است که به معنای عهد و پیمان شدید و محکم است (حلی مقداد، ۱۴۲۵: ۲۰۳/۲). ميثاق از ریشه وثق به معنای اطمینان داشتن گرفته شده است و واژه ميثاق، معاهده و پیمان دوطرفه را گویند (فراهیدی، ۱۳۷۶: ۲۰۲/۵). همچنین به معنای عهد و پیمان گرفته شده از شوهر در زمان ازدواج آمده است (طریحی، ۱۳۷۴: ۲۴۴/۵). ميثاق پیمانی است که با سوگند و عهد تأکید شده باشد (راغب، ۱۴۱۲: ۸۵۳) و وصف آن به غلیظ بودن بر اهمیت آن تأکید دارد. ميثاق بر وزن مفعال از وثوق و اطمینان با تأکید بیشتر است، مانند آنچه در تعهد است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۵/۱۳)، زیرا دوام زندگی زوجین مبتنی بر وثوق و اطمینان بیشتر است. همه جریان و عمل در طول ازدواج بر اساس همین ميثاق غلیظ مستمر است که بعد از تحقق عقد لفظی می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲۱/۹). بنابراین، ميثاق عبارتی است که تعهد و التزام به احکام را در پی دارد و توصیف آن به غلیظ نیز مشخص می‌سازد که عقد ازدواج جایگاه بلندی دارد. خداوند آن ميثاق را بین همسران، اکید قرار داده و بر آن احکام محکم بسیاری را مترتب ساخته، آن احکامی است که برای زوج بر گردن زوجه است یا برای زوجه بر گردن زوج ثابت است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۸/۲).



کاربرد قرآنی میثاق غلیظ

ترکیب «میثاق غلیظ» در قرآن سه بار به کار رفته است؛ یکی میان خدا و پیامبران (احزاب: ۷)؛ دیگری میان خدا و بنی اسرائیل (نساء: ۱۵۴) و سومی میان زنان و شوهران (نساء: ۲۱). در کاربردهای قرآنی، از میان همه عقدها و پیمان‌های فراوان و گوناگون بشری که در بین افراد حقیقی و حقوقی و ملت‌ها و دولت‌ها منعقد می‌شود، عنوان میثاق غلیظ فقط بر پیمان ازدواج اطلاق شده است. واژه میثاق بر استواری و اطمینان دلالت دارد و به پیمانی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای وثیقه و سوگند، موثق و مؤکد شده و وصف غلیظ نیز بر شدت، صلابت و استواری پایدار دلالت دارد و به نوعی مفهوم میثاق را تأکید می‌کند. بنابراین، ترکیب وصفی این دو واژه و کاربرد آن بین پیمان‌های مردمی فقط در پیوند ازدواج، دلالت دارد که از دیدگاه قرآن کریم، میثاق همسری و پیمان زناشویی از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است.

از آنجا که فلسفه اصلی میثاق و تأکید پیمان افزایش میزان وفاداری به آن و پیشگیری از پیمان‌شکنی است، کاربرد عنوان میثاق غلیظ در ازدواج می‌تواند به ضرورت فوق‌العاده وفاداری به پیمان همسری و التزام همه‌جانبه به لوازم آن اشاره داشته باشد (نک: ملکوتی‌خواه، ۱۳۹۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۲۸۳). اصول اخلاقی از جمله لوازم میثاق غلیظ هستند که سبب دوام عقد نکاح و پایبندی به آنها تحقق هدف الهی از ازدواج که رسیدن به آرامش است را به دنبال دارد.

دلیل نسبت دادن پیمان به زنان

اما چرا گرفتن پیمان فقط به زنان نسبت داده شده است؟ در پاسخ باید گفت: زوجیت قائم به طرفین است و عهد و پیمانی دو سویه است که آیاتی مانند «... و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف...» (بقره: ۲۲۸) نیز بر آن دلالت دارد. اما از آن جهت که زن کانون جوشان احساسات و عواطف است و سرپرستی مرد را می‌پذیرد، با خواندن ایجاب عقد و مطرح کردن شرایط مورد نظر خود از مرد پیمان می‌گیرد و مرد پیمان همسری را با شرایط او قبول می‌کند، از این رو در آیه مورد بحث، میثاق گرفتن به زنان نسبت داده شده است (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۱۱/۵؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۴۰/۷). افزون بر این، مورد آیه شریف درباره بازپس‌گیری مهریه زنان از سوی مردان است که خدای سبحان به مردان یادآوری می‌کند چگونه چنین عملی را مرتکب می‌شوید در حالی که آنان از شما میثاق غلیظ گرفته‌اند.

ب. لوازم میثاق غلیظ در ازدواج

۱. وفاداری همسران

واژه «وفی» و مشتقات آن بر مفهوم «اتمام و اکمال» دلالت دارد و از آنجا که اموری چون وعده، نذر، عهد و پیمان با انجام دادن تعهدات مربوط به هر یک تکمیل می‌شوند، به انجام دادن تعهد به‌طور کامل وفاداری اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳/۱۶۲). بر این اساس، وفاداری در جایی مطرح است که عهد و میثاقی در میان باشد و طرفین میثاق پای‌بند به عهد خویش باشند. ارزش و جایگاه پیمان نیز میزان وفاداری به آن را تعیین می‌کند؛ هر چه پیمان مهم‌تر باشد وفاداری به آن نیز از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

از جمله پیمان‌هایی که در روابط اجتماعی مطرح می‌شود، پیمان زناشویی و عقد ازدواج است که در آیه ۲۱ نساء به «میثاق غلیظ» تعبیر شده است. این تعبیر نشان از جایگاه والای این عهد در روابط میان انسان‌ها دارد و به تبع آن وفاداری به آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، منظور از وفاداری به میثاق ازدواج، التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۳). به سخن دیگر، عبارت است از التزام عملی کامل و پای‌بندی همه‌جانبه به همه تعهدات و لوازم پیمان زناشویی.

از آنجا که بی‌وفایی مخالف وفاداری است، با تعریف بی‌وفایی مفهوم وفاداری نیز روشن‌تر خواهد شد. در تصور عامه مردم، بی‌وفایی با خیانت یکسان تلقی شده است. اما برخی از روانشناسان این دورا از هم جدا کرده و هر کدام را به‌گونه‌ای مختلف تعریف کرده‌اند. در تعریف بی‌وفایی گفته شده است: برقراری ارتباط عاطفی با جنس مخالف که از چارچوب خانواده خارج است، و در مقابل، خیانت، برقراری ارتباط جنسی با جنس مخالف است که از چارچوب خانواده خارج باشد (کاو، ۱۳۸۷: ۱۰). همچنین بی‌وفایی و خیانت در سه دسته طبقه‌بندی فرعی قابل تقسیم است:

۱. **خیانت‌های عاطفی:** هر یک از زوجین مسائل و مشکلات عاطفی فرد یا خانواده را با غریبه‌ای یعنی شخصی به غیر همسرش در میان می‌گذارد. جنبه فرعی این خیانت هم شامل ارتباط تلفنی، اینترنتی و ارتباط در محیط‌های کاری است.

۲. **خیانت‌های جنسی:** برقراری روابط جنسی همسر با جنس مخالف غیر از همسر خودش. جنبه فرعی این خیانت، ارتباط جنسی با هم‌جنسان، زنان خیابانی و ارتباط‌های جنسی مختلف با دیگران است.

۳. **خیانت‌های مرکب:** شکل ترکیبی بی‌وفایی عاطفی و خیانت جنسی است (مؤمنی و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸).



از آنجا که بی‌وفایی مقدمه خیانت است، وفاداری همسران به عهد و میثاق خویش مانع از بی‌وفایی و خیانت خواهد بود. بر این اساس، وفاداری نقض عهد نکردن و ترک غدر (خیانت) است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵/۳۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱/۱۳). وفاداری یکی از فضایل اخلاقی است که در عموم فرهنگ‌ها مورد احترام است و در حقیقت یک فضیلت انسانی است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «ای مالک! هرگاه میان خود و دشمنت عهد و پیمانی بستی به آن وفادار باش؛ چراکه هیچ چیز از واجبات خدا همانند وفای به عهد نیست که مردم با تمامی اختلاف خواسته‌ها و پراکندگی اندیشه‌های‌شان بر آن اتفاق نظر داشته باشند و نزدشان بزرگ باشد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۵۸۶-۵۸۷). از این رو، در معارف اسلامی تأکید فراوانی بر پای‌بندی به عهد و پیمان شده است. به موجب آیه «وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) وفای به همه عقود لازم است (نک: محقق داماد، ۱۳۶۳: ۳۷).

خداوند خود را باوفاترین به عهد خویش می‌شمرد (توبه: ۱۱۱) و هرگز پیمان نمی‌شکند (بقره: ۸۰). وفاداری به عهد و پیمان از نشانه‌های موحدان است که به خلق الهی آراسته‌اند؛ آنجا که در بیان نشانه‌های خردمندان می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند» (رعد: ۲۰). وفاداری به میثاق یکی از مواردی است که در قیامت مورد سؤال خواهد بود: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴). در روایات نیز به وفاداری بر عهد و میثاق تأکید فراوانی شده است. امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «عهد و پیمان خویش را مشکن و دشمنت را فریب مده؛ زیرا بر خداوند کسی جرأت و دلیری نمی‌کند مگر نادان بدبخت» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ۵۸۸-۵۸۹).

ضرورت و اهمیت وفای به عهد به‌طور عام، از جمله عقد ازدواج، روشن می‌شود. بر اساس معنای بی‌وفایی و اقسام آن، وفاداری زوجین به میثاق غلیظ محدود ساختن ارتباط عاطفی و جنسی به حریم خانواده، پاکدامنی و پارسایی در نگاه است که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، زنان و مردان مؤمن را به «غَضَّ بَصَرٍ» (کوتاه کردن نگاه) در برخورد با نامحرم موظف ساخته است. لذا بر اساس این آیه، یکی از مهمترین ویژگی‌های پارسایی جنسی و عفت در مردان، چشم فروهستن نسبت به زنان نامحرم و حفظ فروج از گناه جنسی و در زنان نیز چشم فروهستن نسبت به مردان و پوشیدن روی و موی و سایر اعضای بدن است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

همچنین، لزوم پوشیدگی بدن (احزاب: ۵۹؛ نور: ۳۱) و پرهیز از تبرج و خودنمایی «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳) در برابر نامحرم از دیگر مصادیق وفاداری همسران به پیمان زناشویی (میثاق غلیظ) است. «تبرج» به معنای تکلف در آشکارنمایی مانند ظهور و بروز برج برای هر

بیننده‌ای است که زنان زینت‌های پنهانی خود را آشکار یا از بوی خوش استفاده یا در راه رفتن و سخن گفتن به گونه‌ای رفتار کنند که توجه مردان بیگانه را جلب کنند (صادقی، ۱۴۰۶: ۱۰۶/۲۴). مقصود از این نهی، نجابت در بیرون رفتن همسران پیامبر ﷺ با رعایت حجابی است که با شأن و جایگاه پیامبر ﷺ مناسب باشد (صادقی، ۱۴۰۶: ۱۰۶/۲۴).

بر این اساس، این دستور به همسران پیامبر ﷺ از جایگاه همسری است که به منظور حفظ حریم همسری باید از خودنمایی در جامعه پرهیزند و بر پیمان خویش وفادار بمانند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). از سیاق آیات ۸ مومنون و ۳۲ معارج به دست می‌آید که از جمله ویژگی‌های مؤمنان، پایبندی به تعهدات میان همسران است. چنانکه در آیات ۵-۶ سوره مومنون، پاکدامنی را از دیگر ویژگی‌های مؤمنان شمرده و روابط جنسی آنان را به همسران و کنیزان‌شان محدود می‌داند. در آیه ۷ سوره مومنون، جستجوی رابطه جز در حریم خانواده را تجاوز از حدود الهی می‌داند. بر پایه این آیات و روایاتی که به عفت و پاکدامنی سفارش می‌کنند، وفاداری به تعهدات همسری از لوازم اخلاقی میثاق غلیظ به شمار می‌آید که در آیه ۲۱ سوره نساء به آن اشاره شده است.

۲. تکریم همسر

عهد و پیمان سبب همبستگی و یکپارچگی است و نقض عهد تشتت و پراکندگی به دنبال می‌آورد. از این رو، در آیات قرآن به رعایت عهدها حتی با دشمنان اسلام و مسلمین تأکید شده است: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْتُمُوهُمْ إِلَىٰ عَهْدِهِمْ وَجَدْتُمُوهُمْ... * يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۴)؛ مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن فروگذار نکردند و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند، پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید، زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

وفای به عهد نشانه تقواست و نقض آن بی‌تقوایی است. این امر از نگاه قرآن تا آنجا اهمیت دارد که حتی کسانی که با هم‌پیمانان مسلمانان عهد بسته‌اند، از تعرض در امان هستند: «وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ... * إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۵۵/۴). از این رو، به خاطر احترام به پیمان باید از این قانون [وَاقْتُلُوهُمْ] مستثنی باشند. اما اگر این پیمان میان دو فردی بسته شود که تصمیم دارند تا پایان عمر خویش در صلح و صفا و صمیمیت زندگی مشترک داشته باشند (روم: ۲۱؛ نساء: ۲۱)، حفظ احترام این پیمان در گرو احترام به طرفین پیمان است. به ویژه توصیف آن به میثاق غلیظ (نساء: ۲۱)، پایبندی به لوازم آن را فزون‌تر می‌کند؛ زیرا دوام این پیمان و تحکیم آن را استوارتر می‌کند.



ازدواج تنها یک قرارداد حقوقی نیست بلکه پیمانی عاطفی، اخلاقی و حقوقی است. تکریم به معنای حرمت نگه داشتن، بزرگواری شمردن و گرامی داشتن است و در روابط خانوادگی به صورت گرامی داشتن یکدیگر، ارج نهادن به همدیگر و قدردانی از هم جلوه می‌یابد.

پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۵۸/۲؛ نیز نک: حمیری، ۱۴۱۳: ۶۹)؛ هر کس همسری اختیار کند باید او را اکرام کند. بر اساس این سخن عرشی، تکریم همسر از لوازم اخلاقی پیوند زناشویی است.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ أَمْرًا تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۰/۱۶)؛ باسعادت است و باسعادت، بانویی که همسر خود را اکرام کند، او را نیازارد و در همه حالات مطیع او باشد.

از این بیان معصومین علیهم السلام روشن می‌شود که تکریم همسر از لوازم اخلاقی پیوند زناشویی محسوب می‌شود. گستره این بیان‌های نورانی در قلمرو ازدواج صادر شده است، چنانکه حضرت می‌فرماید هر کس همسری برگزیند باید وی را تکریم کند. بیان این سخن در قالب جمله شرط «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا»، ترتب تکریم بر پیوند همسری را نشان می‌دهد که مربوط به حوزه اخلاق در خانواده است.

به نظر ابوعلی سینا، شوهر باید همسر خود را تکریم نماید و اگر بخواهد زن را به حسن رفتار و رعایت حرمت خویش وادارد، راهی جز این ندارد و با تهدید و اجبار نمی‌تواند به این هدف دست یابد. زیرا وقتی زن کرامت خود را ببیند، در حفظ و تداوم آن می‌کوشد و از زوال آن می‌ترسد (نک: ابن‌سینا، ۱۳۱۹: ۴۸). وی تکریم زن از سوی همسر را به نگهداری خوب زن، پرهیز از برانگیختن حسادت زن و مشغول ساختن وی به اموری مهم و دور ساختنش از بی‌کاری می‌داند. زیرا در صورت بی‌کار بودن، وقت خود را صرف آرایش و پیرایش و خودنمایی می‌کند و این کار سبب می‌شود تا تکریم شوهر را کوچک بشمارد (همان، ۳۹).

بنابراین، تکریم در روابط خانوادگی دوسویه بوده و باید هر یک از همسران دیگری را تکریم کند. تکریم در رفتار و گفتار، در نگاه کردن و سلوک نمودن، در شرایط عادی و بحرانی، توجه همه‌جانبه از سرعلاقه‌مندی، پذیرش متقابل در جهت اعتمادسازی و مشورت با همسر و ... از وجوه مهم تکریم است. همچنین، پرهیز از هرگونه گفتار و رفتار تحقیرآمیز و سلوک شکننده احساسات و عواطف و روحيات همدیگر از لوازم تحقق تکریم در روابط همسران است. در پرتو تکریم همه‌جانبه است که خانواده سالم معنا می‌یابد و روابط اعضای آن به شایستگی سامان یافته و رو به تعالی می‌رود.

۳. معاشرت به معروف

از جمله لوازم اخلاقی میثاق غلیظ، معاشرت به معروف یا حسن معاشرت است که از آیه ۱۹ سوره نساء و عبارت «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» گرفته شده است؛ یعنی «با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت کنید». سپس به دنبال این عبارت بیان می‌کند که اگر به جهاتی همسران ناخوشایند شماست، شتابزده تصمیم به جدایی و یا بدرفتاری نگیرید و تا آنجا که می‌توانید، مدارا کنید و به مصالح زندگی مشترکتان توجه کنید و حسن معاشرت و رفتار شایسته داشته باشید که خداوند در برابر این عمل به شما خیر فراوان عطا می‌کند.

این عبارت در سیاق آیاتی است که احکام، اخلاق و آداب مربوط به زندگی مشترک همسران را بیان می‌کند و در ادامه به ماهیت عقد ازدواج اشاره می‌کند و از آن به میثاق غلیظ تعبیر می‌کند. پیوند زناشویی در قالب پیمانی دوسویه میان همسران ایجاد می‌شود که وظایف و حقوق طرفینی را به دنبال دارد. آیه ۲۲۸ سوره بقره «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» صریحاً وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن را در درون خانواده برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند و با ذکر کلمه «معروف» اصل معروف را بنیان روابط متقابل زن و مرد در استقرار حق و تکلیف قرار می‌دهد و رعایت معروف را به‌عنوان وظیفه‌ای طرفینی بر زوجین لازم می‌داند (محممدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳).

«تکرار واژه معروف به معنای کار نیک و شناخته شده و معقول در این گونه آیات هشدار می‌دهد به مردان و زنان است که هرگز از حق خود سوء استفاده نکنند بلکه با احترام به حقوق متقابل در تحکیم پیوند زناشویی و جلب رضای الهی بکوشند» (مکارم، ۱۳۴۷: ۱۵/۲).

معروف در آیات مربوط به خانواده

درباره «معاشرت به معروف» سخن بسیار گفته شده است و افزون بر گفتار مفسران در ذیل آیه شریفه، به گونه‌ای مستقل در مقالات علمی مورد پژوهش قرار گرفته است (برای نمونه نک: احمدیه، مریم، معاشرت به معروف، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۲، ۱۳۹۰؛ شریفی، عنایت، نقش مصادیق فقهی و حقوقی معاشرت به معروف در تحکیم خانواده از منظر قرآن کریم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۴۶، پاییز ۱۴۰۰؛ ملکوتی خواه، معناشناسی «میثاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۲، ۱۳۹۰ و ...).



به طور خلاصه، «معروف» در آیات مربوط به مسائل خانواده به کارهای متعارف و مطابق فرهنگ و عرف که بر اساس موازین شرع و عقل باشد اطلاق شده مانند «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. روشن است میزان پرداخت نفقه در مناطق مختلف یکسان نیست و ملاک، متعارف محل سکونت همسران است.

علامه طباطبایی می نویسد: «معروف در بردارنده هدایت عقل آدمی و احکام شرع و فضایل اخلاقی نیک و آداب اجتماعی است و از آنجا که اسلام شریعت خود را بر فطرت بنا نهاده، معروف نزد او امری است که مردم اگر راه فطرت را بپیمایند، آن را می شناسند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۳۲). بنابراین، دایره معنایی معروف ثابت و محدود نیست، بلکه در زمان‌های مختلف و جوامع گوناگون با حفظ معیارهای عقلی، شرعی و اخلاقی همراه با تحول زمان و پیشرفت خردمندان با ایمان متغیر است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰/۴). البته برای تشخیص مصادیق معروف، نه تنها باید به گرایش‌های انسانی توجه کرد بلکه جهت آن نیز باید به سمت فراهم آوردن رضایت خداوند باشد.

نقش معاشرت به معروف در روابط همسران

معروف‌هایی که در شریعت اسلام از آنها یاد شده، نه تنها به عمل مقبول مردم طبق اقتضات زمان و مکان توصیه می‌کند، بلکه با رویکردی معنوی که محبت الهی را دارد به اجرای این عمل پسندیده اشاره می‌کند (عظیم‌زاده، ۱۳۷۸: ۸). معاشرت هم بر نوعی ارتباط زیاد و آمیختگی و همزیستی دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳/۸). با توجه به مفهوم دو واژه معاشرت و معروف، مقصود از معاشرت به معروف آن است که شیوه برخورد و چگونگی رفتارهای همسران با یکدیگر در زندگی مشترک، شایسته، نیک، خردمندانه و بر طبق موازین شرعی و عقلی باشد تا به لوازم میثاق غلیظ و پیمان همسری پای‌بند باشند.

تعبیر به «میثاق غلیظ» که خود حکایت از استواری و استحکام پیوند زناشویی و پیمان همسری دارد، معاشرت به معروف بر تحکیم این رابطه و تداوم آن افزوده و بقای آن را تضمین خواهد کرد. در حقیقت، معاشرت به معروف از لوازم اخلاقی میثاق غلیظ و خود سبب دوام و مانع از گسستن این میثاق است.

چنانکه اشاره شد، معاشرت به معروف در رفتارهای نیک و شایسته که مطابق موازین شرع و عقل هستند جلوه می‌یابد که به نمونه‌هایی از آن در آیات اشاره شده است. از جمله حزم و دوراندیشی که در ادامه سفارش به «معاشرت به معروف» بیان می‌کند: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)؛ یعنی اگر بنا به هر دلیلی همسر شما خوشایندتان نبود با دوراندیشی از شتابزدگی در طلاق یا رفتار ناپسند پرهیز کنید.

زیرا «معاشرت به معروف می‌تواند زندگی مشترک آنها را به گونه‌ای سامان داده، آنها را از خیر کثیر مانند برطرف شدن ناخوشایندی از همسر، تشرف نفس آدمی به کمالات انسانی و فرزند صالح بهره‌مند و اسباب رضایتمندی و سرور را فراهم کند تا وفاداری به میثاق همسری ادامه یابد و تحت تأثیر دگرگونی‌های زودگذر در احساسات و عواطف نقض نگردد» (ملکوتی خواه، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

۴. نگهداری به شایستگی

شماری از آیات قرآن که مربوط به طلاق است به نگهداری شایسته از همسر سفارش می‌کنند. در آیه ۲۲۹ بقره می‌فرماید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فِأَمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ»؛ طلاق [رجعی] دو بار است. پس از آن یا [باید زن را] به خوبی نگاه داشتن، یا به شایستگی آزاد کردن. در شأن نزول آیه گفته شده است: هشام بن عروه از پدرش و او از عایشه نقل کرده است که زنی نزد او آمد و از شوهرش شکایت کرد که برای ضرر زدن به او پیوسته طلاقش می‌دهد و باز رجوع می‌کند و این مطابق رسمی بود که در زمان جاهلیت داشتند که زن‌های خود را طلاق می‌دادند و قبل از تمام شدن مدت و زمان عده رجوع می‌کردند و این طلاق‌ها و رجوع‌ها حدی نداشت و ممکن بود این کار به هزار مرتبه هم برسد. عایشه شکایت این زن را به رسول اکرم ﷺ عرضه داشت در این وقت آیه فوق نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۷/۲).

در آیه ۲۳۱ بقره «وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا»؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند یا به خوبی آنها را نگاه دارید و یا آنها را به صورت پسندیده‌ای رها سازید و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن [به ایشان] آنها را نگاه مدارید تا به [حقوق ایشان] تعدی کنید. هم همین معنا تأکید شده است. در آیه دوم سوره طلاق هم بیان می‌کند: و هنگامی که عده آنها سرآمد یا آنها را به طرز شایسته‌ای نگهدارید و یا به طرز شایسته‌ای از آنها جدا شوید.

راه‌های نگهداری یا رها کردن همسر در طلاق رجعی

بر این اساس، در طلاق رجعی دو راه پیش روی مرد وجود دارد؛ یا به همسرش رجوع می‌کند و وی را نگه می‌دارد و پیوند همسری‌اش را تداوم می‌بخشد یا اینکه او را رها می‌کند. اما از آنجا که این نگهداری و رها کردن به دو صورت امکان‌پذیر است - گاهی به شیوه معروف و توأم با معیارهای انسانی و رعایت حقوق شرعی و گاهی به شیوه منکر و به منظور اذیت و آزار - امساک (نگهداری) را مقید به معروف و تسریح (آزاد کردن) را مقید به احسان کرد تا صورت اول را بپذیرد و از صورت دوم نهی کند تا از این رهگذر هدف خدای متعال از خلقت زن و مرد و پیوند میان آنان که انس و آرامش است حاصل شود (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۳/۲).



ولی نگهداری همسر به قصد آزار و اذیت شیوه منکر است که با غرض ازدواج و میثاق غلیظ سازگار نیست و سبب گسسته شدن این پیمان محکم می شود.

ج. لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در طلاق

در آیات مربوط به طلاق، به ویژه در آیات ۲۲۷-۲۳۲ سوره بقره، به احکام، آداب و اصول اخلاقی اشاره شده است که نشان دهنده اهمیت رعایت اصول اخلاقی هنگام گسستن میثاق غلیظ است. زیرا طلاق اوج اختلاف و ناسازگاری میان زن و شوهر است که در آن حقوق دو طرف نادیده گرفته می شود. از این رو، بسیاری از حقوق و اصول اخلاقی و آداب مطرح در آیات طلاق در حقیقت الزامات و تعهداتی است که پای بندی به آنها در دوران عادی زندگی که صلح و سازش برقرار است، از ضرورت بیشتری برخوردار می باشد تا پیوند زناشویی استوارتر و از گسست میثاق همسری پیشگیری شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۹۳/۱).

به هنگام گسست میثاق غلیظ نیز باید یادآور خاطرات زندگی مشترک و پیمان محکمی که از هم گرفته اند، باشند و خویشتن را پای بند به اصول اخلاقی بدانند: ﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (نساء: ۲۱). از این رو، میثاق غلیظ در طلاق هم دارای لوازم اخلاقی است که در ادامه به آنها اشاره می شود.

۱. رها کردن به معروف و احسان

از آنجا که در بیشتر موارد، طلاق به دنبال ناسازگاری و عدم سازش همسران رخ می دهد، به طور طبیعی زمینه بروز رفتارهای منکر و ناپسند فراهم می شود. به پاس حرمت همسری و میثاق غلیظی که در میان همسران ایجاد شده بود، قرآن مرد و زن را به عمل به معروف در مراحل طلاق دعوت می کند و با تکرار (۹ بار) این واژه در مراحل طلاق، به اهمیت آن اشاره می کند.

در آیات طلاق آمده است که در طلاق رجعی، مرد می تواند به همسرش رجوع نکند و وی را رها سازد تا پس از پایان عده از هم جدا شوند و پیوند همسری میان آنان گسسته شود. این رها کردن می تواند به دو صورت انجام پذیرد: یکی اینکه همسرش را از روی انتقام و خشم و غضب طلاق دهد که شیوه ای ناپسند و منکر است و دیگر اینکه به شیوه متعارف و مورد پسند شرع صورت پذیرد که این شیوه جایز و مورد تأیید شرع است. از این رو، تسریح (آزاد کردن) را به معروف مقید کرد: ﴿أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ (بقره: ۲۳۱؛ طلاق: ۲) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۳/۲).

افزون بر این، در آیه ۲۲۹ بقره تسریح را با قید احسان آورد که امری فراتر از معروف است. زیرا چه بسا مرد با گرفتن بخشی از مهریه با رضایت زن، وی را طلاق دهد که این شکل از طلاق معروف است و کسی آن را منکر و ناپسند نمی‌داند. ولی با قید احسان، مرد را به رعایت نیکی که فراتر از حقوق عادلانه است سفارش می‌کند تا ضرر زن از طلاق که از دست دادن زندگی مشترک است، جبران کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۳/۲-۲۳۴).

آیه «وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب: ۴۹) نیز می‌رساند که این جدایی باید به دور از دشمنی و خشونت، نزاع و جدال، تهمت به یکدیگر به منظور توجیه جدایی یا تشفی خاطر و ضرر زدن به زن و منع از حقوق وی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۳۳۵/۱۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۶۴/۱۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۸/۲۱).

در جاهلیت، زمانی که زنی را طلاق می‌دادند، او را از ازدواج با دیگری و شروع زندگی جدید منع می‌کردند که با نزول آیاتی مانند «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۲)، از این کار نهی شدند. چنانکه «سراح جمیل» (رها کردن به زیبایی) نیز به آزاد گذاشتن زنان در شروع زندگی جدید و منع نکردن آنان از ازدواج اشاره دارد (قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۷۵/۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۴/۲۴).

روشن است که این سفارش‌ها به منظور جبران ضرری است که زن از جانب طلاق متحمل می‌شود. زیرا طلاق سبب گسسته شدن میثاقی است که میان زن و مرد به امید یکی شدن و دوام زندگی مشترک بسته شده بود. بنابراین، از لوازم میثاق غلیظ، پای‌بندی به اصول اخلاقی مانند رها کردن به معروف، نیکی و زیبایی است که باید از سوی همسران به ویژه مردان رعایت شود.

۲. مشورت همسران با یکدیگر

آیه «... وَ أَتَمُّوا بَيْنَكُمُ بِالْمَعْرُوفِ» (طلاق: ۶)؛ خطاب به پدران و مادران است که با هم به مشورت بپردازید و آنچه مربوط به مصلحت فرزند و مزد شیر دادن به وی می‌باشد را با صداقت و بصیرت بررسی کنید. به خاطر مهر و محبت به طفل، از هر چیزی که در دل نسبت به یکدیگر دارید با تسامح و تساهل بگذرید زیرا فرزند امانت الهی نزد شماست (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵۵/۷؛ قطب، ۱۴۲۵: ۳۶۰۳/۶).

«اتتمروا» از ریشه ایتمار در لغت به معنی پذیرفتن فرمان است و بر مشورت دوجانبه نیز اطلاق شده است؛ چرا که دو طرف گفتگو دستور و سخن یکدیگر را پذیرا می‌شوند (زاغب، ۱۴۰۴: ۸۹). ولی مقید شدن ایتمار (مشورت) به معروف می‌رساند که مشورت به گونه‌ای شایسته و پسندیده انجام شود



به گونه‌ای که هیچ فردی متضرر نشود؛ نه مرد با پرداخت مزد زیاد، نه زن با دریافت مزد اندک و نه طفل با کم شدن مدت شیرخوارگی و مانند آن (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲/۲۹۵).

میثاق همسری و مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که حتی در صورت گسست میثاق همسری و لزوم مشورت در امور مربوط به خانواده، شایسته است مشورت در فضایی صمیمی و صادقانه و به دور از منفعت طلبی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی انجام پذیرد تا اعضای خانواده متضرر نشوند. این تأکید، تفاوت پیمان همسری با سایر پیمان‌های بشری را نشان می‌دهد که پای‌بندی به لوازم میثاق غلیظ حتی در صورت گسست آن هم می‌تواند تداوم داشته باشد.

نتیجه‌گیری

میثاق غلیظ از دو واژه «میثاق» و «غلیظ» ترکیب شده است که به معنای عهد و پیمان شدید و محکم است که با سوگند و عهد تأکید شده باشد و وصف آن به غلیظ بودن بر اهمیت آن تأکید دارد. زیرا دوام زندگی زوجین مبتنی بر وثوق و اطمینان بیشتر است.

در کاربردهای قرآنی، از میان همه عقدها و پیمان‌های فراوان و گوناگون بشری، عنوان میثاق غلیظ تنها بر پیمان ازدواج اطلاق شده که بر استواری و اطمینان دلالت دارد. ترکیب وصفی این دو واژه و کاربرد آن در پیوند ازدواج، دلالت دارد که از دیدگاه قرآن کریم، میثاق همسری و پیمان زناشویی از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است.

از بررسی مفهوم متعالی «میثاق غلیظ» در آیه ۲۱ نساء به دست آمد که چنین یادکردی از پیمان همسری، افزون بر اشاره به جایگاه بلند و معنوی ازدواج و نهاد خانواده، به لوازم اخلاقی آن هم اشاره دارد. رعایت اصول اخلاقی سبب تحکیم پیمان همسری و مانع از گسست این پیمان محکم و شدید خواهد بود.

با تحلیل محتوای آیات مرتبط با روابط خانوادگی در حوزه ازدواج و طلاق به این نتایج دست یافتیم که اصولی چون:

- وفاداری همسران به میثاق ازدواج: به معنای التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی و به دیگر سخن التزام عملی کامل و پای‌بندی همه‌جانبه به همه تعهدات و لوازم پیمان زناشویی.
- تکریم همسر: به معنای حرمت ننگه داشتن، بزرگوار شمردن و گرامی داشتن، که در روابط خانوادگی به صورت گرامی داشتن یکدیگر، ارج نهادن به همدیگر و قدردانی از هم جلوه می‌یابد.
- معاشرت به معروف: که اصل معروف را بنیان روابط متقابل زن و مرد در استقرار حق و تکلیف قرار می‌دهد و رعایت معروف را به عنوان وظیفه‌ای طرفینی بر زوجین لازم می‌داند.

- نگهداری به شایستگی: یعنی به شیوه معروف و توأم با معیارهای انسانی و رعایت حقوق شرعی و بدون آزار و اذیت به عنوان لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در ازدواج.
- رها کردن به معروف و احسان: که به شیوه متعارف و مورد پسند شرع اشاره دارد.
- مشورت همسران با یکدیگر: در فضایی صمیمی و صادقانه و به دور از منفعت طلبی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، به عنوان لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در طلاق می‌باشند.
- این اصول اخلاقی و تعهدات، در عین حال که به استحکام و تداوم پیوند زناشویی کمک می‌کنند، در صورت گسست این پیوند نیز نقش مهمی در حفظ احترام و کرامت طرفین ایفا می‌کنند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات پارسایان، ۱۳۸۳ ش.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن سینا، حسین، تدبیر المنازل، ترجمه به ابن سینا و تدبیر منزل، مترجم: محمد نجمی زنجانی، تهران: مجمع ناشر کتاب، ۱۳۱۹ ش.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، بیروت: موسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، نشر دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. احمدیه، مریم، معاشرت به معروف، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۲، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۸. حلّی، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان، قم: انتشارات مرتضوی، ۱۴۲۵ ق.
۹. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. شریفی، عنایت، نقش مصادیق فقهی و حقوقی معاشرت به معروف در تحکیم خانواده از منظر قرآن کریم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۴۶، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۱۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مصحح: فضل الله طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران: بعثت، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: اسوه، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۲۰. کاوه، سعید، همسران و بی وفایی و خیانت، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

۲۲. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۲۳. محمدی سرپیری، فریده، احمدرضا رفیعی فروشانی، فرسیما خامسی پور، ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روانشناسی و جایگاه آن در خانواده، فصلنامه فرهنگی- تربیتی، زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۲۹، ۱۳۹۳ش.
۲۴. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسين عليه السلام، ۱۴۱۹ق.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۲۸. مغنیه، محمد جواد، الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۰. ملکوتی خواه، اسماعیل، معنانشناسی «میتاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مولفه‌های بنیادین وفاداری به آن، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۲، تابستان ۱۳۹۰ش.
۳۱. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت: اهل بیت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۲. مؤمنی جاوید، مهرآور، شعاع کاظمی، مهرانگیز، دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط/با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۹۰ش.
۱. نقیبی، سید ابوالقاسم، زمانی، زری، نقش وفاداری در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۳، ش ۵۲، ص ۷-۵۳، ۱۳۹۰ش



References

1. *The Noble Quran*.
2. *Nahj al-Balāghah (The Peak of Eloquence)*, Translated by Moḥammad Dashtī, Qom: Intishārāt-i Pārsāyān (Parsayan Publications), 1383 SH (2004 CE).
3. Aḥmadīyah, Maryam, *Mu'āsharat bih Ma'rūf (Socializing with Goodness)*, Muṭāla'āt-i Rāhburdī-yi Zanān (Strategic Studies on Women), No. 52, Summer 1390 SH (2011 CE).
4. Faḍl Allāh, Moḥammad Ḥusayn, *Min Wahy al-Qur'ān (From the Inspiration of the Quran)*, Beirut: Dār al-Malāk (House of the King), 1419 AH (1998 CE).
5. Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad, *Al-'Ayn (The Dictionary of Ayn)*, Qom: Oswah (Aswah Publications), 1376 SH (1997 CE).
6. Gunābādī, Sulṭān Moḥammad, *Bayān al-Sa'ādah fī Maqāmāt al-'Ibādah (The Explanation of Happiness in the Stations of Worship)*, Beirut: Mu'assasah al-'Alamī lil-Maṭbū'āt (Al-'Alamī Institute for Publications), 1408 AH (1987 CE).
7. Ḥillī, Muqaddam ibn 'Abd Allāh, *Kanz al-'Irfān (The Treasure of Knowledge)*, Qom: Intishārāt-i Murtaḍawī (Murtaḍawi Publications), 1425 AH (2004 CE).
8. Ḥimyarī, 'Abd Allāh ibn Ja'far, *Qurb al-Asnād (The Proximity of Chains)*, Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt (Aal al-Bayt Institute), 1413 AH (1992 CE).
9. Ibn 'Ashūr, Moḥammad Ṭāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr (The Liberation and Enlightenment)*, Beirut: Mu'assasah al-Tārīkh al-'Arabī (Arab History Institute), 1420 AH (1999 CE).
10. Ibn Ḥayyūn, Nu'mān ibn Moḥammad, *Da'ā'im al-Islām (The Pillars of Islam)*, Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt (Aal al-Bayt Institute), 1385 AH (1965 CE).
11. Ibn Manzūr, Moḥammad ibn Mukarram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dār Šādir (Dar Sader Publications), 1414 AH (1993 CE).
12. Ibn Sīnā, Ḥusayn, *Tadbīr al-Manāzil (The Management of Households)*, Translated as Ibn Sīnā va Tadbīr-i Manzil (Ibn Sina and Household Management), Translated by Moḥammad Najmī Zanjānī, Tehran: Majma' Nāshir-i Kitāb (Book Publishers Association), 1319 SH (1940 CE).
13. Kāveh, Sa'īd, *Hamsarān va Bī-Vafā'ī va Khiyānat (Spouses, Infidelity, and Betrayal)*, Tehran: Intishārāt-i Sukhan (Sokhan Publications), 1387 SH (2008 CE).
14. Makārim Shīrāzī, Nāshir and Colleagues, *Tafsīr-i Nimūnah (The Example Commentary)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 1371 SH (1992 CE).
15. Malakūtī Khwāh, Ismā'īl, *Ma'nā Shināsī-yi "Mithāq-i Ghalīz" dar Paymān-i Hamsarī va Barrasī-yi Mulaḥḥizah-hā-yi Bunyādīn-i Vafādārī bih Ān (Semantics of the "Strong Covenant" in the Marriage Pact and Examination of Its Foundational Components of Loyalty)*, Muṭāla'āt-i Rāhburdī-yi Zanān (Strategic Studies on Women), No. 52, Summer 1390 SH (2011 CE).
16. Moḥammadī Sar Pīrī, Farīdah; Rafī'ī Furūshānī, Aḥmad Riḍā; Khāmasī Pūr, Farsīmā, *Māhīyat-i Vafādārī-yi Zawjayn az Dīdgāh-i Ḥuqūqī, Fiqhī va Ravān Shināsī va Jāyghāh-i Ān dar Khānavādah (The Nature of Spousal Loyalty from Legal, Jurisprudential, and Psychological Perspectives and Its Place in the Family)*, Faṣḥnāmāh-yi Farhangī-Tarbīyatī, Zanān va Khānavādah (Cultural-Educational Quarterly, Women and Family), 9th Year, No. 29, 1393 SH (2014 CE).
17. Mu'mīnī Jāvīd, Mihr Āvar; Shu'ā' Kāzīmī, Mihrāngīz, *Dīdgāh-hā-yi Naẓarī-yi Khiyānat-i Zanāshū'ī va Bihbūd-i Ravābiḥ/bā Ta'kīd bar Rāhburd-hā-yi 'Amālī-yi Mushāvīrīh-ī (Theoretical Perspectives on Marital Infidelity and Improving Relationships, with Emphasis on Practical Counseling Strategies)*, Tehran: Intishārāt-i Āvā-yi Nūr (Avaye Noor Publications), 1390 SH (2011 CE).

18. Mudarrisi, Moḥammad Taqī, *Min Hudā al-Qur'ān (From the Guidance of the Quran)*, Tehran: Dār Muḥibbī al-Ḥusayn (A.S.) (Dar Muhibbi al-Husayn Publications), 1419 AH (1998 CE).
19. Muḡhniyah, Moḥammad Jawād, *Al-Kāshif (The Revealer)*, Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī (Islamic Book House), 1424 AH (2003 CE).
20. Muḡhaqqiq Dāmād, Sayyid Muḡtafā, *Qavā'id-i Fiqh (Principles of Jurisprudence)*, Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulūm-i Islāmī (Center for Publishing Islamic Sciences), 1363 SH (1984 CE).
21. Mūsavī Sabzawārī, Sayyid 'Abd al-A'lā, *Mawāhib al-Raḡmān fī Tafṣīr al-Qur'ān (The Gifts of the Merciful in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Ahl al-Bayt[^] (Ahl al-Bayt Publications), 1409 AH (1988 CE).
22. Muḡtafawī, Hasan, *Al-Taḡqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm (The Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Bunyād-i Tarjumah va Nashr-i Kitāb (Foundation for Translation and Book Publishing), 1360 SH (1981 CE).
23. Muḡtafawī, Hasan, *Al-Taḡqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm (The Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah (House of Scientific Books), 1430 AH (2009 CE).
24. Muḡtafawī, Hasan, *Tafṣīr-i Rawshan (The Clear Interpretation)*, Tehran: Markaz-i Nashr-i Kitāb (Book Publishing Center), 1380 SH (2001 CE).
25. Naqībī, Sayyid Abū al-Qāsīm; Zamānī, Zarī, *Naqsh-i Vafādārī dar I'timād Āfarinī va Rāhburd-hā-yi Tawṣī'ah-i Ān dar Nihād-i Khānavādah bā Rūykard bih Āyāt va Rivāyāt (The Role of Loyalty in Building Trust and Strategies for Its Development in the Family Institution with a Focus on Verses and Narrations)*, Faṣṣnāmāh-yi Muṡāla'āt-i Rāhburdī-yi Zanān (Strategic Studies on Women Quarterly), Vol. 13, No. 52, pp. 7-53, 1390 SH (2011 CE).
26. Quṡb, Sayyid, *Fī Zilāl al-Qur'ān (In the Shade of the Quran)*, Beirut: Dār al-Shurūq (House of the East), 1425 AH (2004 CE).
27. Rāḡhib al-Iṡfahānī, Ḥusayn ibn Moḡammad, *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān (The Dictionary of Quranic Terms)*, Tehran: Kitāb (Book Publications), 1404 AH (1984 CE).
28. Ṣādiqī Tihrānī, Moḡammad, *Al-Furqān fī Tafṣīr al-Qur'ān (The Criterion in the Interpretation of the Quran)*, Qom: Farhang-i Islāmī (Islamic Culture Publications), 1406 AH (1985 CE).
29. Sharīfī, 'Ināyat, *Naqsh-i Maṡādir-i Fiqhī va Ḥuqūqī-yi Mu'āsharat bih Ma'rūf dar Taḡkīm-i Khānavādah az Manzar-i Qur'ān-i Karīm (The Role of Jurisprudential and Legal Instances of Socializing with Goodness in Strengthening the Family from the Perspective of the Noble Quran)*, Pazhūhishnāmāh-yi Ma'ārif-i Qur'ānī (Quranic Knowledge Research Journal), No. 46, Fall 1400 SH (2021 CE).
30. Shaykh Ḥurr al-'Āmilī, Moḡammad ibn Ḥasan, *Wasā'il al-Shī'ah (The Means of the Shia)*, Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt[^] (Aal al-Bayt Institute), 1409 AH (1988 CE).
31. ṡabarsī, Faḡl ibn Ḥasan, *Majma' al-Bayān (The Collection of Clarifications)*, Edited by Faḡl Allāh ṡabāṡabā'ī and Hāshim Rasūlī, Tehran: Nāṡir Khusraw (Naser Khosrow Publications), 1372 SH (1993 CE).
32. ṡabāṡabā'ī, Sayyid Moḡammad Ḥusayn, *Al-Mizān fī Tafṣīr al-Qur'ān (The Balance in the Interpretation of the Quran)*, Qom: Islāmī (Islamic Publications), 1417 AH (1996 CE).
33. ṡurayḡī, Fakhr al-Dīn ibn Moḡammad 'Alī, *Majma' al-Baḡrayn wa Maṡla' al-Nīrayn (The Confluence of the Two Seas and the Rising of the Two Lights)*, Tehran: Ba'that (Ba'that Publications), 1374 SH (1995 CE).